

هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف

دکتر سیدعلی هاشمیان فر
عضویت علمی دانشگاه اصفهان
نمونه چینی



جامعه‌شناسان

سرشناسه: چینی، نفیسه، 1341-
عنوان و نام پدیدآور: هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف
تألیف: سیدعلی هاشمیان فر - نفیسه چینی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: 212 ص
شابک: 978-600-223-344-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: هویت -- جنبه‌های اجتماعی -- ایران -- اصفهان -- نمونه پژوهی
موضوع: هویت -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع: پراوری
موضوع: قلمی اجتماعی
موضوع: سرمایه اجتماعی

شناسه افن: هاشمیان فر، سیدعلی، 1342-
رده‌بندی کنگره: 9 1395 HM753/
رده‌بندی دیوین: 05/80...593
شماره کتابشناسی: 77577



جامعه‌شناسان

هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف سیدعلی هاشمیان فر - نفیسه چینی

چاپ اول: 1395 تهران / تعداد 200 نسخه
قیمت: 17000 تومان / چاپ دیجیتال: نگین
شابک: 978-600-223-344-8
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی: نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک 217

فروشگاه جامعه‌شناسان

تلفن: 66000051، 81_66959680

تلفن دفتر نشر: 66969620

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
1348 است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM
Email: Sociologists15@gmail.com

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه: درآمدی کلی بر رابطه میان هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف.....	۱۹
فصل اول: مفاهیم مرتبط با هویت بریکولاژ.....	۲۵
مفاهیم مرتبط با هویت.....	۲۵
۱. مفهوم‌شناسی هویت.....	۲۵
۲. انواع هویت.....	۲۶
شکل‌گیری هویت در مراحل گذار.....	۳۱
۱. هویت پیش‌مدرن.....	۳۳
۲. هویت مدرن.....	۳۳
۳. هویت پست‌مدرن.....	۳۶
بریکولاژ.....	۴۰

فصل دوم: رویکردهای نظری به هویت بریکولاژ و انواع آن	۴۵
جهانی شدن به روایت یکسان سازی فرهنگ ها (مخالفان جهانی شدن)	۴۶
جهانی شدن به روایت چندپارگی فرهنگ ها	۵۰
جهانی شدن به روایت دیالکتیکی و عام گرایی فرهنگ ها (موافقان جهانی شدن)	۵۰
رویکرد مپتونان به فرایند جهانی شدن فرهنگ ها	۵۳
قائت های خرده فرهنگ جوانان	۵۴
خرده فرهنگ های ویژه جوانان به مثابه فریب خوردگان فرهنگ رده ها	۵۵
خرده فرهنگ های ویژه جوانان به مثابه چهل تکه سازان خود آگاه و برانداز	۵۵
خرده فرهنگ های ویژه جوانان به مثابه چهل تکه سازان فرامردن	۵۸
خرده فرهنگ های ویژه جوانان به مثابه کاربران سردرگم و آنومیک	۶۱
فرهنگ عامه پسند جهانی	۶۴
انواع هویت بریکولاژ	۶۴
فصل سوم: رویکردهای نظری به فرهنگ مصرف	۶۹
۱. فرهنگ	۶۹
۲. سبک زندگی	۷۰
رویکردهای نظری به فرهنگ مصرف	۷۲
فصل چهارم: مطالعات تجربی	۹۱
۱. هویت بریکولاژ	۹۱
۲. فرهنگ مصرفی	۹۳
فصل پنجم: فرهنگ مصرف و عوامل مؤثر بر هویت بریکولاژ	۹۷

۱۰۰.....	مصرف آرایشی.....
۱۰۶.....	تناسب اندام.....
۱۱۱.....	جراحی پلاستیک.....
۱۱۴.....	پرسه زنی.....
۱۲۶.....	تبیین جامعه‌شناختی مدگرایی.....
۱۲۹.....	تبیین روان‌شناختی مدگرایی.....
۱۴۰.....	مصرف موسیقی.....
۱۴۵.....	ناب پذیر از تبلیغات.....
۱۵۲.....	سایر عوامل مؤثر بر هویت بریکولاژ.....
۱۵۶.....	شخصیت عزیز نفس.....
۱۵۷.....	گرایی مذهبی.....
۱۶۰.....	عوامل درونی مؤثر بر کارکرد دین.....
۱۶۰.....	عوامل بیرونی مؤثر بر تضاد نقش دین.....
۱۶۳.....	جایگاه دین در دنیای مدرن.....
۱۶۸.....	نتیجه‌گیری.....

۱۷۱.....	فصل ششم: بررسی عوامل مؤثر بر هویت بریکولاژ با تأکید بر فرهنگ مصرف.....
۱۷۴.....	هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف.....
۱۷۷.....	هویت بریکولاژ.....
۱۸۶.....	تحلیل چندمتغیره داده‌ها.....
۱۸۸.....	الگوسازی معادلات ساختاری با کاربرد «mos graphics».....
۱۹۰.....	بحث و نتیجه‌گیری.....

پیشگفتار

هویت در میان ما، مهم، برای بشر امری حیاتی است که در دگرگونی‌های گذارهای دنیای امروز، همسو با دیگر مفاهیم دستخوش تغییر شده است. اگر دوره‌های تاریخی به سه بخش پیش مدرن، مدرن و پسامدرن تقسیم‌بندی شود، هویت در سرتیغ از این دوره‌ها شکل خاص خود را داشته است. در دنیای پیش مدرن، هر فرد وارث هویت نیاکان خود بود و هویت، امری موروثی تلقی می‌شد، از آنجا که او در جوارچوب معینی قرار داشت و راه و روش زندگی او، از پیش تعیین شده بود. روابط میان افراد در جوامع پیش مدرن، محدود به روابط میان قبیله‌ای بود. هرکس در اجتماع نقش واحدی را ایفا می‌کرد. انسان هویتی فردی و در یک کلام «خویشتنی» واحد داشت. در دنیای مدرن که با عصر روشنگری آغاز شده است، هویت برای نخستین بار با بحران روبه‌رو می‌شود. اجتماع و قوانینی که بر آن حاکم است، گسترش می‌یابد، نیازهای انسانی رو به فزونی می‌گذارد و انسان برای برآوردن این نیازها، به روابط اجتماعی بیشتری با دیگر افراد احتیاج دارد و دیگر آن اجتماع کوچک قبیله‌ای، هویت فرد را تعیین نمی‌کند. در اجتماع مدرن، هر فرد نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرد.

از قبیل پدر، پسر، خویشاوند، شهروند، مترجم، متفکر و هنرمند. به واسطه این روابط بود که فرد می‌توانست هویت خود را باز یابد. در همین دوران، اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که مطالعه هویت فرد، بدون در نظر گرفتن روابط او در زمان و مکان مشخص، کار بی‌فایده‌ای است.

در این دوران، انسان با این پرسش روبه‌رو شد که کیست، یا می‌تواند به کی باشد؟ او تصور می‌کرد که هویت کاذبی دارد، اما در پس تمام نقش‌هایی که می‌پذیرفت، خویشی واقعی داشت که حداقل در خلوت خود، با آن روبه‌رو بود.

دنیای استعاره‌ها امروز بسیار پیچیده‌تر از دنیای مدرن است. انسان، امروزه با خواسته‌های زیادی روبه‌رو است که در گذشته برایش بیگانه بوده است. در پست مدرنیسم، همان روزی که پسا ساختارگرایی مضامین انسانی را پاره‌پاره و مرکه‌زدایی شده تلقی کرد، مفهوم متعارف هویت نیز دستخوش دگرگونی‌های گوناگون شد. به عنوان مثال پست مدرنیسم به تبعیت از «هربرت مید»، هویت را امری نسبی تعریف کرد. هربرت مید، با عنوان کردن پدیده نسبیت، هرگونه تعارض موقعیت، فضا و زمان مطلق را برهم ریخت. بنابراین، هویت امری نسبی است و هرکس در فضا و زمان خاص، هویت متفاوتی از خود نشان می‌دهد. در واقع هویت نامی است که بر ارتباط‌ها و برخوردهای هر فرد با هر پدیده در زمان و مکان خاص گذاشته می‌شود. به عنوان نمونه، پست مدرنیسم به پرداختن به گفتمان‌های جنسیت و هویت‌های بومی، به بیان رابطه میان هویت و موقعیت پرداخته است. بر این اساس، چیزی با عنوان هویت فردی و اساسی زیر سؤال می‌رود.

در دنیای تکه‌تکه امروز، در فرصت‌های کوتاه، آدمی باید نقش‌های بی‌شماری را بازی کند و همین امر، داشتن هویتی یکپارچه را غیر ممکن

می‌سازد. در دوران مدرن، انسان در میان روابط اجتماعی گسترده به دنبال هویتی یکپارچه می‌گشت، اما در دوران پست‌مدرن امروز، انسان به دنبال همان هویت تکه‌تکه است. هویت دیگر امری موروثی نیست، بلکه اکتسابی و حاصل معاشرت و زندگی کردن با دیگران است و تمام نگاه‌ها معطوف به زندگی است که هویت، در جریان آن ساخته و پرداخته می‌شود. تعبیر مورد بریکولاژ یکی از بهترین تعبیری است که می‌توان برای توضیح این نوع تلقی از هویت به کار برد. این تعبیر که توسط یکی از صاحب‌نظران گفتمان‌های معاصر این دوره، برای وضع هویتی دوران مابعد تجدد مورد استفاده قرار گرفته، مریت را نظیر پارچه‌های چهل‌تکه‌ای نشان می‌دهد که تنها عامل واحد و یکپارچگی آن، مقاصد یا انتخاب‌های دوزنده آن است. در نهایت از آن‌ها به «پیراهن چهل تکه» است و دوزنده، انسان است، معنای آن این است که همان‌بای هویتی این دوران «خود»ی کاملاً متجدد را نیز فرض می‌گیرند (کپریان، ۱۳۸۷: ۲۱۰). و این، همان گرایش جهان‌وطنانه است. جهان‌وطن‌گرایی در معنای دقیق شامل گرایش به سوی تعدد و همزیستی فرهنگ‌ها در درون تنوع فردی است و در معنای اصیل‌تر، اول از همه، جهت‌گیری و اشتیاقی است در پرداختن به «دیگری» (هنرز، ۱۳۷۶: ۱۹۷). چنانچه گرایش‌های جهان‌شنا، آزمایش‌کردن و تنظیم مجدد ترکیبات هویتی را برای افراد آسان می‌سازد و در این حالت، افراد هویت‌های هم‌پوش مختلف را انتخاب و ارزیابی می‌کنند. (Beck, 2000: 92).

بنابراین همان‌گونه که اشاره شد، هویت دیگر مجموعه‌ای یکدست از ارزش‌های ثابت و مطمئن نیست و در این فضای بحرانی، رویکرد شناختی-فرهنگی بر عرضه تنوعی از جهان‌بینی متکی است که به منظور اجتناب از آنومی فرد، باید تفسیری معنادار را از وجود خود انتخاب کند.

یا بسازد؛ یا به عبارت دیگر، همبسته کردن ذهنی کثرت گرایی فرهنگی که همان چهل تکه سازی است. از نظر هیبدایج^۱، سبک به عنوان مجموعه ای از عناصر گوناگون و ارتباط معانی آورده، به شکل بریکولاژ^۲ است. همچنین به عنوان یک فعالیت فرهنگی از یک اخلال طبیعی و نظم فرهنگی از طریق فرایند دوباره، یعنی از بین بردن اشیاء، از محل سنتی که وجود دارد، تخصیص معانی جدید به جای معانی قدیمی است. به عبارتی تلاش مخفیانه برای ترکیب بخش هایی از چند جهان بینی در قالب یک موجودیت معنادار (در قالب بریکولاژ).

به گفته وی اعضای یک خرده فرهنگ اغلب عضویت خود را از طریق سیگنل های مورد استفاده مشخص و نمادی از سبک، که شامل مد، رفتار، گویش عامیانه است نشان می دهند (Hebdige, 1979: 102). یا به عبارت دیگر، خرده فرهنگ شکلی از مقاومت است که مخالفت و مغایرت آن با ایدئولوژی حاکم به طور رسمی در مصرف نشانه و سبک زندگی بازنمایی می شود (Hebdige, 1979: 133). لیکن در بسیاری از گونه های مطالعات فرهنگی، بعد از دهه ۱۹۸۰، این گرایش به آنچه مسئله پست مدرن نامیده شده است، وجود دارد. در مک گیگان آن را پوپولیسم فرهنگی می نامد و بر لذت، مصرف و لذت فردی هویت تأکید دارد (McGuigan, 2004).

در این راستا جامعه ایرانی نیز عرصه تنازع، رقابت و همزیستی سرمایه های گوناگون زندگی بوده و هست؛ که این شیوه های زندگی بر سر دریایی به سرمایه نمادین در حال منازعه، رقابت و چالش با یکدیگر هستند. چنانچه آنها نه تنها از زندگی، لذت و ارزش، روایت های مختلفی دارند، بلکه حتی

1. Hebdige

2. Bricolage

از امور عینی رخ داده در گذشته نیز، روایت‌های مختلفی دارند. گویا چندین تاریخ همزمان در ایران اتفاق افتاده است (ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱). این روایت‌های گوناگون مستتر در شیوه‌های زندگی، ارتباط‌های مختلفی میان جفت‌های (دوگانگی‌های) متضاد اساسی ساختاری برقرار می‌کنند. اینها، روایت‌های مختلفی از ارتباط میان زندگی / مرگ، زن / مرد، زمان دور / زمان نزدیک، ایران / اسلام، ایران / غرب و... دارند. شیوه‌های متفاوت و راه متباین: زندگی ایرانی، جهان‌های متفاوت ایرانی‌اند؛ جهان‌هایی که در آنها، اوستا و سر مختلف زندگی متفاوت است. این جهان‌ها با وجود تمام این تفاوت‌ها، چراکه حاصل امتزاج و پیوند میان جریان‌های مختلف فرهنگی در بستر تریه ایرانیان هستند. همچنین همه آنها پیوندی، التقاطی و دورگه‌اند. حتی شیوه‌های زندگی‌ای که آشکارا یکی از این جریان‌های فرهنگی (برای نمونه، مردنسم یا اسلام‌گرایی) را به عنوان الگو و سرمشق برگزیده‌اند و تلاش برای ارضاء دارند، التقاطی هستند. چراکه اینها نیز در واکنش و گفت‌وگو با تجربیات تاریخی ایرانی شکل گرفته‌اند. این تجربیات تاریخی، از برخورد چهار جریان جهان فرهنگی ایرانی، اسلامی، سنتی و غربی شکل گرفته‌اند. فهم ایرانی از غرب یا اسلام، محصول پیوند افق‌ها است. از این‌رو حتی آنانی که خواسته‌اند تماماً غربی بیندیشند، یا کسانی که خواسته‌اند تماماً اسلامی بیندیشند نیز متأثر از پیش‌فهم‌ها و پیش‌ادراک‌ها، عناصری از ایرانی بودن را در نگاه و کنش خود حفظ کرده‌اند. به همین دلیل، در تمامی این شیوه‌های زندگی، هم ایرانی‌اند و هم التقاطی و پیوندی (رجائی، ۱۳۸۶). به بیانی دیگر، هویتی چندرگه‌ای دارند. (بریکولاژ)

در این راستا پیدایش پدیده‌ای تحت عنوان «مسئله جوانان» به رشد سریع شهرنشینی در دهه ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. در این زمان، هجوم مهاجران

جوانان از روستاها به شهرها، موجب شد که در شیوه زندگی جوانان در حوزه‌هایی مثل سبک پوشش، تحصیلات، مناسبات اجتماعی، عادات غذایی، الگوی گذران اوقات فراغت و نظایر اینها تحولات تازه‌ای پدید آید. در طول بیش از دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسل جوان همواره برای همنوایی، تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. جوانان از یک طرف در معرض نیروهای محلی، برنامه‌های اسلامی‌سازی و هویت ملی قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر، تحت تأثیر نیروهای جهانی، جهان‌وطنی و هویت شخصی واقع شده‌اند. به‌رغم تلاش دست‌اندرکاران این جوانان در جهت پرورش فرزندان انقلاب براساس ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی، بخش نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از جوانان حداقل در برخی از حوزه‌ها، حیات اجتماعی خود، تعریف دیگری از به‌هنجاری و «زندگی خوب» دارند. اگر در میان جوانان «متعارف» و جوانان «فعال سیاسی» پذیرش «ایمان معوق» به خاطر برخورداری از آینده‌ای بهتر، رهیافت ارزش اصلی محسوب می‌شود، در میان جوانان عضو خرده‌فرهنگ، «ارضای آنی» یا «لذت‌طلبی لحظه‌ای»، جست‌وجوی غیرمسئولانه لذت، هوس اجتماعی، مذكرابلی، راجوبی، رهیافت ارزش اصلی به شمار می‌آید. سبک زندگی این دسته از جوانان نیز منطبق با رهیافت ارزشی یادشده است. بنابراین، شرکت در میهمانی‌های خصوصی غیرمجاز، ارتباطات و معاشرت‌های خارج از چارچوب از «اجتناب از جنس مخالف»، الگوپذیری از ستاره‌های موسیقی و فیلم در عرصه فرهنگ عامه‌پسند جهانی، سبک و مصرف رسانه‌ای این دسته از جوانان در عرصه موسیقی، ویدئو، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت و مانند آن، بخشی از دنیای جوانان عضو خرده‌فرهنگ را تشکیل می‌دهد (شهابی، ۱۳۸۲: ۱۱).

در این راستا، تفسیرهای مربوط به خرده‌فرهنگ‌های جوانان را می‌توان

بر پیوستاری قرار داد که در یک سوی آن خرده فرهنگ‌ها، واکنشی طبیعی و تابع تحولات مربوط به دوره رشد و امکانی برای ابراز هویت و رشد شخصیت تلقی می‌شوند و در سوی دیگر، وسیله‌ای برای چالش نظام اجتماعی و فرهنگ جامعه و نوعی مقاومت و اعتراض نمادین به هنجارها و ارزش‌های مسلط در جامعه محسوب می‌شوند. دیدگاه نخست، کانون توجه روان‌شناسان و دیدگاه دوم، برآمده از سنت مطالعات فرهنگی انگلستان و گویای تحولات و مفهوم‌سازی متفاوتی از جوانان به عنوان یک سازه اجتماعی و فرهنگی است. هیدایچ در کتاب مقاومت از طریق مناسک نشان می‌دهد که چگونه خرده فرهنگ‌ها از ویژگی ظاهری چون مد و سبک، به عنوان نشانه‌ای برای اعتراض به روابط و جایگاه خویش در جامعه استفاده می‌کردند. و بر این باور بود که انسجام و هماهنگی خرده فرهنگ‌های جوانان از طریق فرایند «ریکولاز» ایجاد می‌شود.

هویت بریکولاز جوانان در سراسر جهان، از طریق ترکیب عناصر هویت (اسلامی، ایرانی، سنتی و مدرن) شکل می‌گیرد. این تفکر که دلوز آن را تفکر ریزوم^۱ و ارمینامدیا به عبارت دیگر ریلدینگ هویت می‌داند، با حذف طبقه‌بندی و سلسله مراتب همراه است و می‌تواند عوامل نامربوط به هم را در یک مخلوط به هم پیوسته تلفیق کند. این تفکر هویتی چند شبکه‌ای برای انسان مدرن به ارمغان آورده است. سویی که خود را بسیار و به تکرار، می‌شکند و دوباره پیوند برقرار می‌کند. در واقع ریزوم مابین تفکرات خطی قرار گرفته و آنها را به هم مرتبط می‌کند. تئوری ریزوم به چندگانگی بها می‌دهد و فرهنگ‌های گوناگون و متعدد را به هم وصل کرده و رابطه جدید می‌سازد. بر این اساس، اندیشه و تصورات جوانان نیز مثل ریزوم (زمین ساقه) آشخوهرهای متفاوت و جورواجور

دارد و با چندگانگی و تفاوت (نه تضاد) همراه است. اما مشکل جوانان در چگونگی جمع و ترکیب و وزن‌دهی اجزا و عناصر مطلوب با توجه به نیازهای‌شان، در درون یک پایه اصلی است، چون ریزوم سلسله‌مراتب و طبقه‌بندی ندارد. از آنجاکه خرده فرهنگ جوانان بیشتر در تعامل با سایر فرهنگ‌ها بوده است و زودتر و بیشتر تحت تأثیر تغییرات قرار می‌گیرد، اثر ترکیب عناصر هویت، آگاهانه و برحسب وزن‌دهی مناسب صورت می‌گیرد، می‌توان از شکل‌گیری یک خرده فرهنگ در میان جوانان حرف زد که بیشتر از آنکه، با معیارهای فرهنگ مسلط هم‌نوا باشد، با فرهنگ مسلط جهانی مناسبتی دارد. از این جهت، رابطه این خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ مسلط در هر جامعه‌ای، از اهمیت خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار است. بنابراین باید با آگاهی از این تأثیرات، به جای انکار این روند روبه‌رشد، با آن همراه شد. و با شناخت قسمت‌هایی از فرهنگ خود که قابلیت بیشتری برای انتقال و پراستن به عرصه‌های جهانی دارد، ضمن حفظ اختصاصات فرهنگی خود، آن را به سایر ملل نیز انتقال داد (قره‌باغی به نقل از صادقیه، ۱۳۸۶: ۱۰).

از آنجاکه فردگرایی، بازانديشي، تمایل به انتقاد و حفظ شیوه‌ای برای زندگی، تعلق به ارزش‌های جهان‌وطنانه، ریزوم و چندینگ، هویت ترکیبی، بریکولاژ، «خویش‌شن» پست‌مدرن که فاقد هرگز، جوهره و ذات است و مصرف، موقعیت و سبک زندگی، جای اصالت آن ندارد. و آن را از صحنه بیرون رانده است، از جمله مفاهیم و زمینه‌هایی است که به نظر می‌رسد می‌تواند توضیح‌دهنده انگیزه‌ها، کنش‌ها و فرایند هویت بریکولاژ جوانان و تضادهای برآمده از انتخاب و تصمیم‌گیری‌های آنها باشد و واکاوی نظام ارزشی و هنجارهای مصرف این فضا، می‌تواند دریچه‌ای به بخشی از فرهنگ جوانان کشور بگشاید؛ بخشی که به‌رغم برخی

حساسیت‌ها، کمتر به صورت علمی به آن توجه شده است. این نوشتار به دنبال آن است که عوامل تأثیرگذار بر هویت بریکولاژ به ویژه فرهنگ مصرف را در تبیین خرده فرهنگ‌های جوانان مورد واکاوی قرار دهد. چون در سایه شناخت این پدیده و درک مقتضیات خاص آن است که می‌توان از فرصت‌ها استفاده مطلوب کرده و تهدیدها را از بین برد، یا آن را به حداقل ممکن کاهش داد. در نهایت اگر بپذیریم که جوانان قشر متمایزی در جامعه هستند که دارای خرده فرهنگ‌های ویژه‌ای هستند و انسجام و هماهنگی خرده فرهنگ‌های آنان از طریق فرایند بریکولاژ و سبک زندگی ایجاد می‌شود، توجه به مصرف‌گرایی در جامعه، آشنایی با فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها، آنان می‌راند در شناسایی چالش‌های فکری کنونی این قشر در جامعه و پیش‌بینی تحولات فرهنگی - اجتماعی آینده مؤثر باشد. هدف این کتاب تبیین رابطه میان هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف، کوشش برای درک خاستگاه‌ها، پدیده و بحث درباره عوامل مؤثر بر پیوند این دو است. برای درک این رابطه، نخست باید روشن شود که هویت بریکولاژ چیست و عوامل برانگیزنده آن کدام‌اند؟ آنگاه مشخص شود که فرهنگ مصرف چه معنایی در بردارد و چگونه به معنای سبک زندگی در جامعه شکل می‌گیرد و دانش پژوهان اجتماعی چه نظری درباره آن داشته‌اند؟ تا سرانجام چگونگی پیوند و همگرایی این دو پدیده ناممکناً به لحاظ تحلیلی، مشخص شود.

مقدمه:

درآمدی کلی بر رابطه میان هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف

در عصر حاضر، فضاهای سازند جوامع، فضاهایی متنوع و ناهمگون هستند. دیگر ریشه‌ای واحد ندارند که تکرار آنها در سرزمینی خاص فرو رفته باشد. ریزوم‌هایی هستند در ارتباط با دیگران، با فرهنگ، جهان‌ها و آگاهی‌های گوناگون. این وضعیت، از اشخاص افرادی خانه به دوش می‌سازد، به این معنا که در فضاهای باز زندگی کنند و شیوه زندگی، تعیین‌کننده کیفیت بینش‌های آنهاست و بر حسب ارتباط‌هایی که با حیطه‌های فرهنگی مختلف برقرار می‌کنند، می‌توانند به شیوه‌های گوناگون در مکان جای گیرند. این نوع هویت چهل‌تکه، ویژگی نوع بشری است که در گذشته، به دلیل محدودیت‌های ابزاری یا سیاسی، این امکان از او گرفته می‌شد، اما به یمن مدرنیته و فضای باز سیاسی و ابزاری ناشی از آن، این امکان به او داده شده است. در این راستا، بعضی‌ها خود را در تنگنای مقوله‌های بسته (همچون ملت، قبیله، دارودسته یا تعلق به قومی واحد) محبوس می‌کنند، که این ترفندها، گریزگاه‌هایی هستند که امکان مقاومت در برابر پراکندگی هویت متکثر انسان را فراهم می‌آورند.

اما این گریز به هیچ وجه مشکل را حل نمی کند. چون چنین واکنش زیان باری، غالباً به در خود فرورفتن یا تحجر هویت منجر می شود. بر این اساس، هویت نمی تواند مثل سابق یک مفهوم با عناصر مشخص، ثابت و یکدست باشد. هویت امروزه، یک هویت چهل تکه است که هیچ عنصر ثابتی ندارد و به تعبیری، به یمن گفتمان پست مدرن، ترکیب پیچیده‌ای از آگاهی‌های گوناگون است، که به ما یک هویت مرکب می بخشد (سایگان، ۱۳۸۴: ۳۴).

اگر رویکرد سلسل جوان به فرهنگ غرب با نقد و بررسی و ارزیابی آگاهانه همراه باشد، با تکوین هویت ملی در تعارض نیست و این نوعی از تجلی تبیین فرهنگ است و در مقابل، برخورد منفعلانه با دستاورد فرهنگ غرب، فرهنگی‌ای را از هم تلاشی می کند، در نتیجه جایی برای حضور هویت ملی باقی نمی ماند. تعامل فرهنگ‌ها نیز روش خردمندانه‌ای است که موجب غنای ستر فرهنگ‌های ملی شده و به روند مسالمت آمیز ملت‌ها نیز کمک می کند. به‌ویژه فرهنگ‌هایی که از مشترکاتی با فرهنگ خودی برخوردارند. چنین موقعیتی زمینه ساز انس و الفت فرهنگی است، زیرا آدمی با پدیده‌ای مانوس می شود که با آن ارتباط شناختی داشته باشد و حاصل این، نوعی تعلق خاطر و دلبستگی به هویت ملی است و استمرار این دلبستگی موجب شکل گرفتن بخشی از هویت فرهنگی است. همچنین روند مبتنی بر گفت و گو، بحث و انتقاد و مناظرات علمی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی به نسل جوان فرصتی می بخشد تا هویت اجتماعی خویش را بیابد و برای تقویت و تکوین آن اقدام کند.

هویت ترکیبی در عصر پست مدرن، بر اساس مصرف گرایی، به سرعت و عمیقاً کارکردها و معانی خرده فرهنگ را تحت الشعاع قرار داده است.

اضطراب‌های پست مدرن در شکل‌گیری هویت، به نوعی منجر به رفتارهای هیستریک جوانان شده است؛ به صورتی که نقش‌هایی را که جامعه به عهده آنان می‌گذارد، نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند تا در نقش‌های مجازی دیگری قرار بگیرند (آدزیسکی، ۱۳۸۹)؛ نقش‌هایی که می‌تواند در تقابل با ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد. لذا اگر این شکل‌گیری هویت آگاهانه صورت نگیرد، در جامعه آثار و پیامدهایی دارد؛ چه برای فرد در راستای بران هویت و چه فراتر از مرزها. این امر مسئولان را بر آن می‌دارد که عناصر تأثیرگذار در فرهنگ‌های انحرافی را مورد شناسایی قرار دهند. جوانان ایران متأثر از تحولات کلان فرهنگی، اجتماعی، ملی و فراملی و همچنین متأثر از نایگاه‌های اجتماعی متفاوت خود در عرصه سبک زندگی، گزینش‌های متعددی صورت داده‌اند که شناخت این صور متعدد و متنوع، برای شناخت تحولات فرهنگی بسیار ضروری است (مورن به نقل از شالچی، ۱۳۸۹). در حال حاضر، ارزش‌هایی در جامعه در حال شکل‌گیری است که در گذشت بسیار زشت تلقی می‌شد ولی امروزه جوانان تصور می‌کنند که اگر طالب مدرن روز عمل نکنند، از دیگران عقب مانده و مطرود خواهند شد. در چنین شرایطی است که برای حفظ شخصیت اجتماعی‌شان دست به جبران زده و سعی می‌کنند که به اصطلاح، زیباتر از دیگر همسالان خود در اجتماع ظاهر شوند (مروتی، ۱۳۸۹). در این راستا مدگرایی، گرچه ریشه در نیازهای بعضی جوانان دارد و برخاسته از روحیه نوگرایی جوانان است، اما به لحاظ آنکه مدها و مدل‌ها نمایانگر علایق و ارزش‌های مسلط یک زمان و یک قشر خاص‌اند و افزون بر آن، امروزه جوانان از مدهایی (چون رپ، هوی متال و...) پیروی می‌کنند و ناخواسته به هنجارهایی رو می‌آورند که چه‌بسا با فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در تضاد است، پس می‌توان گفت که

مدگرایی در جامعه تا حدود زیادی کارکرد منفی به خود گرفته است و پیامدهای آن، به شدت جوانان را تهدید می‌کند. لذا بحث از آسیب‌شناسی مدگرایی، ضرورت می‌یابد.

یکی از جذابیت‌های بدنی در راستای مدگرایی، «چاق یا لاغری بودن» است که ممکن است منبع نگرانی برای نوجوان باشد. واکنش عاطفی و جهات آن به آن، بر رشد هویت و شخصیت، ارتباطات اجتماعی و سنارهای اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد. نوجوان تصویر ذهنی خاصی از بدن خویش پیدا می‌کند. این تصویر ذهنی یا تصویری که فرد از خود در آینده ببیند، شامل برداشت است و شامل برداشت بدنی همراه با برداشت ذهنی است و هرگونه نقص بدنی، برداشت ذهنی نوجوان را از بدن خویش مختل می‌کند. در دهه اخیر، لاغری نیز به عنوان معیار زیبایی اندام مورد توجه دختران و زنان جوان قرار گرفته است و اقدام برای رعایت رژیم غذایی لاغری جهت دستیابی به تناسب اندام، به دغدغه بسیاری از آنها تبدیل شده است. در حالی که در مورد نسل‌های پیشین، چنین تأکید شدیدی بر لاغری موجود نبود. اما به تازگی و حتی می‌توان ادعا کرد که ادبیات عامیانه با کاربرد اصطلاحاتی چون «رژیم» وجود «یک پرده گوشت»، سلیقه ایرانی را در مورد معیار زیبایی اندام، بیان زنان تا حدی در تضاد با لاغری افراطی - آن‌چنان که در کشورهای غربی در حال حاضر تبلیغ می‌شود - نشان می‌دهد. در راستای توجه به بدن، آثار مربوط به جراحی‌های زیبایی در ایران نیز هشداردهنده است. چنانچه بنابر «زیبایی پزشکی»، ۶۰ درصد متقاضیان جراحی‌های پلاستیک و زیبایی در ایران از نظر علمی و زیبایی‌شناسی، نیازی به این جراحی‌ها ندارند. طبق آمارهای موجود، جراحی زیبایی و به خصوص جراحی بینی در ایران، بیشتر از همه کشورهای دنیا انجام می‌شود. طبق نظرسنجی از مردم تهران، ۵۹ درصد آنها

مقدمه: درآمدی کلی بر رابطه میان هویت بریکولاژ و فرهنگ مصرف ۲۳

برای زیبایی بیشتر، دست به انجام چنین کاری می‌زنند. (فتحی، ۱۳۸۸: ۱۷) همچنین درمورد مصرف لوازم آرایش در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ با افزایش مصرف لوازم آرایش در میان خانوارهای شهری مواجه هستیم. چنانچه براساس آمار، در سال ۱۳۸۵، ۱۲۴۰۵۵۸۴ خانوار شهری وجود داشته که با ضرب این رقم در ارزش ریالی مصرف لوازم آرایشی رای سال مذکور، رقمی حدود ۲ میلیارد تومان (۱۸۵۱۵۳۳۴۱۲۰۰۰ ریال) به دست می‌آید که رقم بسیار زیادی است.

نگاه به آمار و ارقام و رشد آنها نشان می‌دهد که فروش محصولات آرایشی در ایران تجارت پرسودی را تشکیل می‌دهد که به دلیل قاچاقی بودن اکثر این محصولات، سود آنها عاید کشورهای صادرکننده و در نهایت شرکت‌های آرایشی بزرگ چندملیتی جهانی می‌شود (افشارکهن و بلالی، ۱۳۸۹: ۹۹). این آمار، نگاه دهنده، رشد فرهنگ مصرف در شکل‌گیری هویت بریکولاژ در ایران را به خوبی خرد فرهنگ‌های انحرافی را آشکار می‌کند.